

تعریف و جایگاه امنیت اقتصادی در اسلام

ناصر جهانیان^۱

چکیده

امنیت اقتصادی مهم‌ترین مؤلفه توسعه یافتگی است. شناخت دقیق این مفهوم در مکاتب سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام جایگاه، تمایز و اولویت اهداف نظام‌های اقتصادی را نسبت به یکدیگر معین کرده و تصمیم‌گیری در عرصه‌های کلان اقتصادی را آسان می‌سازد. فرضیه مقاله اکتشاف تعریف جامع، مانع، و واقعی مطابق با دیدگاه اسلام برای امنیت اقتصادی است تا امکان تشخیص سازگاری یا ناسازگاری امنیت اقتصادی با دیگر اهداف نظام اقتصادی اسلامی فراهم گردد. تحقیق پیش‌رو به روش توصیفی تحلیلی و با مقایسه امنیت اقتصادی در آموزه‌های اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی با آموزه‌های اقتصاد اسلامی به این نکته می‌رسد که نقش معنویت هویت‌سازی، نقش امنیت بسترسازی قانونمند و منظم، و نقش پیشرفت و عدالت کیفی‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در نظام اقتصادی اسلامی می‌باشد.

واژگان کلیدی

امنیت اقتصادی، اهداف متوسط، امنیت سرمایه‌گذاری، امنیت اشتغال، امنیت درآمد.

^۱ - عضو هیئت علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی nhj1337@yahoo.com

مقدمه

امنیت اقتصادی مهم‌ترین مؤلفه توسعه یافتگی است. اصولاً نظم و نظام اقتصادی در هر کشور تنها در سایه امنیت اقتصادی تحقق می‌یابد. کشورهای در حال توسعه جوامعی هستند که اولین و مهم‌ترین گام برای آن‌ها دستیابی به امنیت اقتصادی است تا در پرتو آن به یک نظام اقتصادی مطلوب برای ارتقای تولید و کارایی منابع دست یافته و آن‌گاه به رفاه اقتصادی یا تقلیل کمبود کالاها و خدمات که هدف نهایی هر نظام اقتصادی پیشرفته است، برسند.

مکتب اقتصادی اسلام بر سه هدف متوسط امنیت اقتصادی، پیشرفت اقتصادی و عدالت اقتصادی جهت دستیابی به رفاه اقتصادی تأکید دارد. امنیت اقتصادی از یک سو هدف میانی نظام اقتصادی اسلامی برای دستیابی به هدف غایی رفاه است، از سوی دیگر، بستری است که در آن عدالت اقتصادی، و پیشرفت اقتصادی جریان پیدا می‌کنند، و به سر منزل مقصود می‌رسند. از منظر آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام نیز این سرزمین امن است که خیرات و برکات بر آن نازل می‌شود و یکی از اهداف مهم اقتصادی در زندگی بشر امنیت اقتصادی می‌باشد.

این مقاله در صدد است تا امنیت اقتصادی را به صورتی شناسایی کند که تصویر تفصیلی و روشن آن در ذهن هر خواننده‌ای حضور یابد به نحوی که تمامی اجزاء و ابعاد آن احصاء گشته و چیزی از آن‌ها از تعریف خارج نشوند؛ و از سوی دیگر، اهداف متوسط دیگر مانند پیشرفت اقتصادی و عدالت اقتصادی به نحوی از امنیت اقتصادی متمایز شوند که بتوان در اولویت‌گذاری اهداف جایگاه واقعی هر یک را به خوبی تشخیص داده و سازگاری یا تعارض آن‌ها با یکدیگر را تعیین کرد. از دیگر سو، نامی اقتصادی با مفاهیمی چون ریسک و نااطمینانی باید روشن گردد. در واقع، رسالت تعریف این است که جامع افرادی باشد و همه مصادیقش را شامل گردد، و از سوی دیگر، مانع اغیار باشد و همه مصادیق مشابه با خود ولی در واقع، مغایر را طرد کند.

حال پرسش اساسی این است که آیا تعریف‌هایی که تاکنون برای امنیت اقتصادی از سوی مکاتب اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی ارائه شده است چنین ویژگی‌هایی داشته‌اند؟

ضرورت بحث از شناخت دقیق امنیت اقتصادی از سه جهت می‌باشد:

۱. تأثیر دیدگاه مکاتب اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی بر نظام‌های گوناگون اقتصادی سرمایه‌سالارانه و سوسیالیستی: تأکید مکتب سرمایه‌داری بر امنیت سرمایه‌گذاری است و تأکید مکتب سوسیالیستی بر امنیت اشتغال و درآمد. از این رو، بیشتر نظام‌های اقتصادی سرمایه‌سالار امنیت اقتصادی را مترادف امنیت سرمایه‌گذاری دانسته، این در حالی است که بیشتر نظام‌های اقتصادی سوسیالیستی امنیت اقتصادی را مترادف امنیت اشتغال و درآمد می‌دانند. نظام‌های اقتصادی در حال توسعه هم که عمدتاً متأثر از این دو اردوگاه هستند بدون تفکری مستقل از همین تعاریف استفاده می‌کنند. اما مکتب اقتصادی اسلام امنیت اقتصادی را به نحو سیستمی ملاحظه می‌کند و ابعاد گوناگون فرهنگی، محیطی، فردی، نهادی، سازمانی، و سرمایه‌ای امنیت اقتصادی بررسی می‌شود.
۲. شناخت دقیق امنیت اقتصادی امکان تمایز دقیق مفاهیم و اهداف متوسط اقتصادی مانند پیشرفت، و عدالت را فراهم آورده و سازگاری و عدم تعارض بین این اهداف را نشان داده و راه را برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در سطح کلان نشان می‌دهد.

۳. بدون شناخت دقیق امنیت اقتصادی ابعاد گوناگون الگوی اقتصاد مقاومتی شناخته نشده و در نتیجه نمی‌توان به صورت علمی در این موضوع نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری کرد.

فرضیه مقاله اکتشاف تعریف جامع، مانع، و واقعی مطابق با دیدگاه اسلام برای امنیت اقتصادی است تا امکان تشخیص سازگاری یا ناسازگاری امنیت اقتصادی با دیگر اهداف نظام اقتصادی اسلامی فراهم گردد.

روش این تحقیق در استنتاجات قرآنی، حدیثی و فقهی مطابق روش تحلیل متون است. در مباحث اقتصادی به روش تحلیلی - استنتاجی عمل خواهد شد. اما روش تحقیق در مرحله گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

ساختار مقاله بدین صورت است:

۱. ادبیات و پیشینه تحقیق؛
۲. تعریف امنیت؛
۳. تعریف امنیت ملی؛
۴. تعریف امنیت اقتصادی؛
۵. تفاوت ناامنی اقتصادی با ریسک و عدم اطمینان؛
۶. جایگاه امنیت اقتصادی و ارتباط آن با سایر اهداف نظام اقتصادی اسلامی؛

یافته‌های تحقیق عبارتند از:

- ۱- تعریفی دقیق از امنیت اقتصادی و تمایز آن از امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت اشتغال و درآمد؛
- ۲- تبیین روابط بین امنیت اقتصادی با معنویت، پیشرفت و عدالت؛
- ۳- اسلام فقط به امنیت اقتصادی دولت تأکید ندارد؛ همین‌طور، فقط به امنیت اقتصادی افراد و بازار بسنده نمی‌کند؛ و همین‌طور، فقط به ترکیبی از امنیت اقتصادی دولت و افراد اکتفا نمی‌کند. بلکه، امنیت اقتصادی سیستمی را امنیت اقتصادی واقعی می‌داند. در واقع، امنیت اقتصادی سطوح گوناگونی دارد که فقط یک سیستم می‌تواند تمامی آن سطوح را شامل شود.

ادبیات و پیشینه تحقیق

بحث در موضوع «تعریف و جایگاه امنیت اقتصادی در اسلام» از پیشینه غنی و نیرومندی برخوردار نیست. از واژه‌شناسی امنیت اقتصادی و بررسی مفهومی آن بدست خواهد آمد که امنیت اقتصادی مفهومی جدید است و سابقه‌ای نیم قرن دارد. از سوی دیگر، خود این واژه در ادبیات اقتصادی مسلمانان و در قرآن کریم و احادیث معتبر پیشینه‌ای ندارد، اما هم در فرهنگ مکتوب اسلام و هم در ادبیات اقتصاد اسلامی مفاهیم و واژه‌های مترادف با آن وجود دارد که می‌توان از آن‌ها دیدگاه اسلام را درباره این مفهوم جدید بدست آورد. شاید به جرئت بتوان گفت از میان اندیشمندان مشهور مسلمان تنها فردی که تا حدی به واژه امنیت اقتصادی و امنیت معیشتی پرداخته است استاد حکیمی در کتاب گران سنگ الحیات باشد. ایشان در بحث حرمت مال مؤمن به امنیت اقتصادی تصریح کرده هرچند تأکید شدیدی دارند که مبدا سوء استفاده‌ای از این بحث به نفع سرمایه‌داران زالوصفت شود. ایشان به واژه امنیت معیشتی اشاره کرده و سرتاسر چهار جلد کتاب اقتصادی الحیات درباره فقرزدایی و تأمین نیازهای اساسی و زندگی کریمانه و مکفی برای عموم مردم است (اخوان حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، صص ۶۵۴-۶۵۱ و ج ۳، ص ۲۰۳).

شهید صدر (ره) هرچند به واژه امنیت اقتصادی اشاره نمی‌کند، ولی در کتاب «اقتصادنا» به هنگام نقد آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری بیان می‌کند که انسان علاوه بر نیاز به آزادی به ثبات و استقرار و دیگر نیازهای حیاتی دیگر هم محتاج است و نباید همه نیازها را قربانی نیاز به آزادی نمود، و باید تعدیلی ایجاد کرد. لذا ایشان آزادی اقتصادی در کادر محدود را در کنار مالکیت مختلط به مثابه بحث‌هایی که بستر ساز عدالت اجتماعی (توازن اجتماعی) هستند مطرح می‌کند. این مباحث بخش عمده‌ای از محورهای امنیت اقتصادی از دیدگاه اسلام را پوشش می‌دهد (صدر(ره)، ۱۳۷۵، صص ۲۷۶ و ۲۸۲).

از اقتصاددانان مسلمان میرمعزی و یوسفی درباره برخی از ابعاد امنیت اقتصادی به مثابه یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام مطالبی طرح کرده‌اند. میرمعزی امنیت را ملازم با مفاهیمی همچون ثبات، اطمینان و عدم خطر (عدم ریسک) دانسته، لذا امنیت اقتصادی را به معنای ثبات و عدم خطر و عدم ریسک در فعالیت‌های اقتصادی در سه حوزه تولید و توزیع و مصرف و در سه بخش دولتی و

خصوصی و اقتصاد بدون سود و در ابعاد داخلی و بین‌المللی می‌داند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱). از دیدگاه میرمعزی امنیت اقتصادی یکی از اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام است، هدف عالی یا غایی زمینه‌های لازم اقتصادی برای تحقق رفاه عمومی است؛ اهداف میانی عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی، بارور ساختن استعدادهای طبیعت برای تأمین نیازها و رفاه بشر می‌باشند (همان، ص ۱۹۶).

یوسفی نیز امنیت اقتصادی را همچون رشد اقتصادی و عدالت اقتصادی هدف مقدمی نظام اقتصاد علوی برای رسیدن به هدف نهایی این نظام یعنی رفاه عمومی می‌داند (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۳). ایشان امنیت اقتصادی را واژه‌ای ترکیبی و عرفی دانسته، و چون اصطلاحی شرعی نیست لذا نباید در ادله شرعی به دنبال معنای خاصی برای آن باشیم. بلکه اگر واژه امنیت در گفتار معصومان علیهم‌السلام آمده باشد، اشاره به معنای مرتکز در اذهان عرف و عقلای آن عصر دارد و چه بسا در اعصار دیگر دستخوش تغییر شود (همان، ص ۳۱۸). با توجه به همین مطلب، یوسفی با اقتباس از دیگران، تعریفی شبه‌دور از امنیت آورده، و آن را به معنای ایمن بودن از تهدید، فشار و تعرض دانسته (همان، ص ۳۲۱)، و در نتیجه، امنیت اقتصادی را هم ایمن بودن هرگونه فعالیت اقتصادی از تهدید، فشار و تعرض می‌داند (همان، ص ۳۲۵).

از آنجا که میرمعزی و یوسفی نظام اقتصادی را به صورت ایستا تصور می‌کنند امنیت اقتصادی هم از منظرشان هدف متوسط نظام اقتصادی اسلام است و دیگر آن را به شکل بستر و فضای تسهیل‌کننده رشد عادلانه نمی‌توانند تصور کنند. این در حالی است که اهمیت مبحث امنیت اقتصادی بسترسازی و فضا‌سازیش برای رشد و عدالت می‌باشد. همین مسأله باعث می‌شود که این دو در اولویت‌گذاری میان امنیت، رشد و عدالت مباحث ذهنی و کم‌ارتباط با اقتصاد و نظام اقتصادی را مطرح کنند. از این رو، تفاوت این تحقیق با تحقیقات سابق در این است که تعریف جدید و تصویر جدیدی از این موضوع ارائه می‌کند. ضمن اینکه در مباحث اقتصاددانان مسلمان تفاوت نامنی اقتصادی با ریسک و عدم اطمینان روشن نشده است.

تعریف امنیت

امنیت در زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی تعریف شده و با دقت در معانی حقیقی و مجازی آن می‌توان به شناخت ابعاد آن نائل شد. واژه «الامن» در اصل زبان عربی به معنای آرامش نفس و زوال ترس است (المناولی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۹۴)، و جرجانی به خوبی آن را به معنای «عدم انتظار امر ناخوشایند در آینده»^۲ می‌داند، زیرا هنگامی که امن به معنای «ضد خوف» باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۳، ص ۲۱)، و خوف هم به معنای «انتظار رسیدن امر ناخوشایند یا انتظار از دست دادن امر دوست‌داشتنی»^۳ باشد، در این صورت، طبیعی است که امنیت به معنای قطعی بودن آرامش و اطلاق آن نمی‌تواند باشد، بلکه، انتظار فرد، جامعه، نظام اجتماعی- فرهنگی، و نظام بین‌المللی این است که آرامش و اطمینان خاطر در آینده مورد نظر برقرار است.

امنیت در زبان فارسی مصدر جعلی است از دو واژه «امن» و «یت»، و به معنای بی‌خوفی، بی‌بیمی، و امن می‌باشد. امن کردن و امنیت دادن مملکت به معنای راحت، آسوده، و بی‌بیم گرداندن آن است. لغت‌نامه دهخدا به نقل از دیگران، امن را به معنای ایمن شدن، بی‌هراس شدن، اطمینان از خوف، و نداشتن توقع و انتظار چیز مکروه در زمان آینده دانسته است (ر.ک: نرم‌افزار قدیمی لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه‌های امنیت و امن). این لغت‌نامه ذیل واژه «امن سرمدی» به نقل از فرهنگ فارسی معین آن را به بی‌هراسی دایمی معنا می‌کند، و در اصطلاح تصوف هم به معنای جهان‌لایتنگری که حقیقت وجود در آنجا تحقق می‌پذیرد معنا می‌شود. بنابراین، امنیت مطلق (سرمدی) در بهشت، و ناامنی مطلق هم در جهنم خواهد بود.

در زبان انگلیسی واژه Security معادل واژه امنیت می‌باشد. در زبان انگلیسی اول بار در قرن ۱۵ میلادی به صورت اسم استعمال شد (Merriam-Webster Collegiate® Dictionary, 2005 به نقل از Babylon 9)، و از ریشه واژه لاتین securus که صفت به معنای (safe, secure, free from care, unworried) می‌باشد (Latin-English Online Dictionary) به نقل از Babylon

۲ - الأمن عدم توقع مکروه فی الزمان الآتی (جرجانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۵۵).

۳ - الخوف توقع حلول مکروه أو فوات محبوب (همان، ص ۱۳۷؛ و المناولی، ج ۱، ص ۳۲۸).

9) اخذ شده است (se به معنای بدون و curus به معنای خطر، ترس، اضطراب و پریشانی می‌باشد) (ر.ک: مزاشو، ۱۳۸۷، ص ۷). در لغت‌نامه لانگمن این واژه به معنای صیانت از خطر^۴ و صیانت از حالت‌های بد^۵ معنا شده است (Longman Dictionary of Contemporary English (4th Ed) به نقل از Babylon 9). بریتانیکا آن را بدین صورت تعریف می‌کند: «وضعیت بی‌خطر یا وضعیتی که خطر نمی‌تواند مؤثر واقع شود» (دائرةالمعارف مختصر بریتانیکا، ۲۰۰۵ م). لغت‌نامه آکسفورد هم متضاد security را دو واژه vulnerability و danger دانسته که یکی به معنای خطر و دیگری به معنای آسیب‌پذیری است که همان حالت‌های بد می‌باشد (Concise Oxford Thesaurus, © Oxford University Press 1995, 2002 به نقل از Babylon 9).

دائرةالمعارف معانی و یکی پدیا تعریفی کاربردی از این واژه ارائه می‌کند: «درجه‌ای از صیانت در مقابل خطر، آسیب، زیان، و جنایت. امنیت به مثابه شکلی از صیانت است که ساختارها و فرایندهای ایمنی را به مثابه یک وضعیت فراهم می‌کنند یا بهبود می‌بخشد» (Wikipedia English - The Free Encyclopedia).

بدین ترتیب، با بررسی واژه «امنیت» در زبان‌های سه‌گانه عربی، فارسی، و انگلیسی می‌توان بدین جمع‌بندی رسید که مفهوم «عدم انتظار امر ناخوشایند در آینده» که جرجانی آن را مطرح کرده بهترین تعریف می‌باشد؛ زیرا اولاً بی‌خوفی، و بی‌خطری مطلق وجود ندارد؛ ثانیاً خطر و آسیب‌پذیری امور ناخوشایند و مکروه هستند که در این تعریف وجود دارد و شامل انواع خطرها، آسیب‌ها، زیان‌ها و جرم و جنایت‌ها می‌شود؛ ثالثاً امنیت هرچند در ظاهر یک وضعیت است که دارای ساختار می‌باشد، ولی همان‌طور که در تعریف و یکی پدیا آمده شامل فرایندها هم می‌شود که امور متغیر یک سیستم می‌باشند. لذا اگر تغییری در محیط پیرامون سیستم‌های طبیعی، مصنوعی، حیوانی، انسانی، و اجتماعی ایجاد شود ممکن است فرایندها کارکرد متناسب را نداشته باشند و ایمنی سیستم دچار خطر شود. بنابراین، همواره انتظار امر ناخوشایند در آینده می‌رود.

این تغییر اگر تدریجی و تکاملی باشد، از درون سیستم شروع شود و به‌طور مستقیم متوجه بقا یا راه و روش بنیادی آن نباشد، غیرتهدیدآمیز و مشروع است. برعکس، موقعی که تغییر گسترده، سریع، شدید و منشأ خارجی داشته باشد یا به‌طور مستقیم متوجه بقا و موجودیت یا مسائل مهم سیستم باشد، به احتمال زیاد تهدیدآمیز و غیرمشروع (و در نتیجه موجب هراس و ناامنی) به‌نظر می‌رسد. به‌علاوه، تغییر وقتی با تقویت قدرت همراه شود (مثل فناوری که نیاز به کارگر و انرژی را کاهش می‌دهد) به‌احتمال زیاد به تأمین امنیت کمک می‌کند ولی تغییری که همراه با از دست دادن کنترل باشد (مثل سلطه نظامی خارجی)، به ناامنی می‌انجامد (ماندل، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۶).

تعریف امنیت ملی

اصطلاح امنیت ملی به پیدایش دولت‌های ملی که با از میان رفتن حکومت‌های ملوک الطوائفی، رشد سرمایه‌داری، تشکیل حکومت‌های مردمی در اروپا و سقوط امپراتوری‌های بزرگ شکل گرفتند، باز می‌گردد. از دیدگاه می^۸ این واژه تنها در قرن بیستم و بخصوص بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است (ماندل، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۳).

بعد از جنگ جهانی دوم امنیت ملی چند بعدی شد و جنبه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را دربرگرفت. با وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم، نقش روزافزون اقتصاد در هدایت ماشین جنگی دولت‌ها آشکار شد و توانایی اقتصادی دولت‌ها در جنگ به عنوان بخشی از ابعاد امنیت ملی کشورها مورد توجه قرار گرفت. باری بوزان معتقد است: «امنیت ملی از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف مبهم ولی از نظر سیاسی قدرتمند باقی مانده است، چون مفهوم نامشخص امنیت

4 - [protection from danger]

5 - [protection from bad situations]

6 - freedom from danger: the state of not being subject to or affected by = freedom from

7 - Security is the degree of protection against danger, damage, loss, and criminal activity. Security as a form of protection is structures and processes that provide or improve security as a condition.

8 - May

ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌گذارد» (همان، ص ۴۹).

در تعریف امنیت ملی اختلاف نظر است. سه دیدگاه مختلف دربارهٔ این واژه ترکیبی وجود دارد که ناشی از این نکته می‌شود که منظور امنیت چه کسی می‌باشد؟

۱. دیدگاه اول که دیدگاه سنتی نامیده می‌شود کشور و امنیتش را مورد نظر قرار می‌دهد. این دیدگاه بر مطالعهٔ تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی تأکید ورزیده و بر بررسی علل، عواقب و راه‌های درمان جنگ و مطالعهٔ اینکه چگونه حکومت‌های ملی از نیروهای نظامی بطور مؤثری برای رویارویی با تهدیدات نظامی خارجی استفاده نمایند، متمرکز است. از منظر این گروه، گسترش مفهوم امنیت به فراسوی نیروی نظامی به معنی نابود کردن انسجام فکری موجود و مشکل‌تر کردن دستیابی به راه‌حل‌های مسایل جهانی است (همان، ص ۴۸).

۲. اما دیدگاه دوم با عمق بیش‌تری به مسأله می‌نگرد و شهروندان و ملت را هدف نهایی امنیت ملی قرار می‌دهد. در دورهٔ پس از جنگ سرد، این پرسش مطرح است که چگونه افراد می‌توانند حکومت (یا رژیم حاکم) را مورد تهدید قرار داده یا چگونه حکومت می‌تواند امنیت افراد را، عمدتاً تحت عنوان حفظ رژیم یا امنیت ملی، تهدید نماید (اسنایدر، ش، ۱۳۸۴ ص ۱۷).

۳. دیدگاه سوم امنیت سیستم و نظام اجتماعی - فرهنگی را لحاظ کرده و عمق تحقیق را بیش‌تر می‌کند (ر.ک: آلبرت، زمستان ۱۳۸۵ ش، صص ۱۴۳-۱۴۰).

به هر تقدیر، دیدگاه سیستمی در پاسخ به این پرسش که «امنیت چه کسی باید تأمین شود؟»^۹ می‌گوید: «نظام اجتماعی - فرهنگی» با فرهنگش، با اجزایش، و با محیط پیرامونش می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. صرف امنیت کشور، یا فرد، یا ملت کفایت نمی‌کند. امنیت جامع در گروهی توجه به تمامیت نظام اجتماعی - فرهنگی است.^{۱۰}

تعریف امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی یکی از ابعاد اصلی امنیت، و مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی است. با پیدایش و گسترش شرکت‌های چندملیتی^{۱۱}، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی اعم از سرمایه‌گذاری مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^{۱۲}، افزایش میزان تجارت نسبت به تولید در سطح جهان، ازدیاد ورود و خروج سرمایه‌های مالی و انسانی، و در یک جمله تسریع روند جهانی شدن، امنیت اقتصادی بیش از همیشه تاریخ خود مهم گشته است. اگر دشمنی‌های نظام‌های اقتصادی کشورهای مختلف نسبت به یکدیگر و انواع تحریم‌های اقتصادی و موانع تجاری، مالی و اقتصادی را هم که گاه‌گاهی برای برخی از کشورها اتفاق می‌افتد را به حساب بیاوریم اهمیت این مسأله مضاعف خواهد گشت. و در اینجاست که مسألهٔ مقاومت و اقتصاد مقاومتی برای کشورهای عزت‌مند و مبارز مطرح می‌شود.

امنیت اقتصادی مرکب از دو واژه امنیت و اقتصاد است. در قسمت قبلی «امنیت» تعریف شد، لذا پس از تعریف «اقتصاد»، این واژه ترکیبی از لحاظ زبانی (لغوی) و اصطلاحی بررسی شده و سپس جمع‌بندی می‌شود.

تعریف لغوی امنیت اقتصادی

با توجه به تعریف «امنیت» که در قسمت قبلی ارائه شد، و تعریف اجمالی «علم اقتصاد» که «عبارت از بررسی روش‌هایی است که بشر برای تولید و توزیع کالاها و خدمات با استفاده از منابع کمیاب (با ارزش و غیرمجانمی) به منظور مصرف به کار می‌گیرد»، می‌توان تعریف اجمالی ذیل را به لحاظ لغوی عرضه کرد:

۹ - سه حوزه مهم امنیتی عبارتند از: ۱- «امنیت چه کسی»، ۲- «بر ضد چه تهدیداتی»، ۳- «چگونگی پاسداری از امنیت» (افتخاری، زمستان ۱۳۷۹، ص ۴۰).

۱۰ - برای مطالعه مباحث مربوط به نظام اجتماعی - فرهنگی به کتاب «اهداف توسعه با نگرش سیستمی» اثر مؤلف رجوع کنید.

«امنیت اقتصادی به معنای عدم انتظار خطر و آسیب‌پذیری در مرزهای اقتصاد (تولید و توزیع)، و در هدف آن (مصرف یا استاندارد زندگی یک جامعه) می‌باشد».

سیر تحول تعریف اصطلاحی امنیت اقتصادی

مشابه مفهوم امنیت ملی، کارشناسان امنیت اقتصادی نیز می‌بایست به این پرسش پاسخ دهند که «امنیت اقتصادی چه چیز یا چه کسی؟». امنیت سرمایه؟ امنیت کار؟ امنیت دولت؟ یا امنیت نظام اقتصادی و اجزاء و محیطش؟ دیدگاه غالب سرمایه‌سالارانه ضمن تأیید امنیت اقتصادی دولت که امری ضروری است، امنیت سرمایه را در دستور کار خود قرار داده و توجه اصلی خود را بر آن قرار می‌دهد، زیرا بستر اصلی رشد اقتصادی است. دیدگاه‌های سوسیالیستی امنیت کار و درآمد را محور توجه خود قرار می‌دهد، زیرا بستر اصلی عدالت اقتصادی است؛ و به تبع این دیدگاه، سازمان‌های بین‌المللی طرفدار نیروی کار نیز به این نوع از امنیت اقتصادی می‌پردازند. دیدگاه‌های جامع‌نگر و سیستمی به امنیت نظام اقتصادی توجه دارند.

امنیت اقتصادی معطوف به عامل سرمایه

غالب ادبیات موجود در مورد واژه «امنیت اقتصادی» آن را مترادف با «امنیت سرمایه‌گذاری» دانسته است. برخی از تعاریف مترادف عبارتند از:

- ۱- چارچوبی نهادی که به پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران اطمینان بخشیده، و امنیت فیزیکی افراد، و امنیت حقوقی معاملات را تضمین می‌کند (Fabricius, 1998, p.4).
 - ۲- رسیدن به شرایط مورد لزومی که بهبود نسبی بلندمدت در بهره‌وری سرمایه و نیروی کار و در نتیجه، استاندارد بالای زندگی (در حال افزایش برای آحاد جامعه) شامل رسیدن به محیط مساعد تجاری پویا، امن و مناسب برای نوآوری و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و رشد اقتصادی پایدار را تشویق کند (علیرضا عظیمی پور، ۱۳۷۹ش، ص ۵۲).
 - ۳- وضعیتی که در آن واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرات محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند (همان، ص ۵۳).
 - ۴- فراهم کردن یک فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی که در چارچوب آن، طرح‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی از مرحله اجرا و بهره‌برداری تا پایان کار بدون اختلال و آشفتگی‌های بیرونی صورت گیرد (همان، ص ۵۵).
 - ۵- امنیت اقتصادی به عنوان چارچوبی متشکل از نهادهای کارآمد (مالی، قضایی، اداری و اجتماعی)، قوانین و مقررات شفاف و با ثبات و سیاست‌گذاری مناسب دولت، بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری و کاهش نگرانی و عدم اطمینان نسبت به آینده تا سطح قابل تحمل برای فعالان اقتصادی فراهم می‌کند (عزتی، ۱۳۸۷، ص ۷).
- در این تعریف‌ها امنیت سرمایه‌گذاری فضا و بستری نهادین است که سرمایه‌گذاری را به نحوی حمایت می‌کند تا رشد اقتصادی مداوم تحقق یابد. اما اینکه عدالت اقتصادی تحقق می‌یابد در این تعریف‌ها بدان توجهی نشده است زیرا اصولاً دغدغه نظام‌های سرمایه‌داری عدالت نیست، و قائلند که درآمدزایی ناشی از رشد اقتصادی به نیروی کار نیز سرریز خواهد شد. ضمن اینکه مشکلات اقتصادی نیروی کار را درون‌زایی نمی‌دانند و آن را از طریق سازوکارهای اجتماعی مانند بیمه‌ها، حق اجتماعی (چانه‌زنی و حق اعتصاب) و مسائلی از این دست سعی می‌کنند مهار کنند.

امنیت اقتصادی معطوف به عامل کار

دیدگاه‌های سوسیالیستی، دیدگاه‌های رفاهی و سازمان بین‌المللی کار به امنیت اقتصادی نیروی کار توجه ویژه‌ای داشته و در تعریف امنیت اقتصادی این عامل تولید را هدف قرار می‌دهد. تعریفی که از سوی انجمن توسعه اجتماعی کانادا و بیمه این کشور ارائه شده و مطابق دیدگاه‌های رفاهی است چنین است: «امنیت اقتصادی استانداردهای مطمئن و ثابت زندگی را شامل می‌شود که منابع و عواید لازم برای مشارکت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و درخور شأن فعالیت‌های اجتماعی افراد و خانواده‌ها را

تأمین می‌نماید» (گروه مطالعات نظری دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۲۰).

اما در تعریف سازمان بین‌المللی کار آمده است:

«امنیت اقتصادی ترکیبی است از امنیت اجتماعی پایه^{۱۳}، که برحسب دسترسی به زیرساخت‌های نیازهای اساسی که در ارتباط با سلامت، آموزش، مسکن، اطلاعات، و حمایت اجتماعی، و همین‌طور امنیت مرتبط با کار تعریف می‌شود». در گزارش این سازمان توضیح داده می‌شود که: هفت جزء (درآمد؛ نمایندگی؛ بازار کار^{۱۴}؛ اشتغال^{۱۵}؛ شغل^{۱۶}؛ کار^{۱۷}؛ بازتولید مهارت^{۱۸}) از اجزای امنیت مرتبط با کار می‌باشند. در عین حال که همه این ابعاد هفت‌گانه مهمند، ولی دو جزء برای امنیت پایه اساسی است. امنیت درآمدی^{۱۹} و امنیت نمایندگی^{۲۰}.

امنیت درآمدی

امنیت درآمدی نشان‌دهنده درآمد واقعاً کافی، و مشاهده شده و مورد انتظاری است که، یا بدست آمده یا به شکل تأمین اجتماعی و دیگر اشکال منافع می‌باشد. این شاخص شامل سطحی از درآمد (مطلق و نسبی نسبت به نیازها)، تضمین وصولی‌ها، انتظار درآمدهای جاری و آینده، هم در طول زندگی کاری و هم در دوره پیری یا دوره بازنشستگی می‌باشد. سازوکارهای حمایت از امنیت درآمدی کلاسیک عبارتند از:

سازوکار حداقل دستمزد، تطابق دستمزدها با تورم، نظام تأمین اجتماعی جامع، و مالیات تصاعدی.

امنیت نمایندگی

امنیت نمایندگی اشاره دارد هم به نمایندگی فردی و هم نمایندگی جمعی. نمایندگی فردی درباره حقوق فردی است که از طریق قوانین گرامی داشته می‌شود، و همین‌طور است درباره دسترسی افراد به نهادها. نمایندگی جمعی بدین معناست که: هر فرد یا گروهی حق دارد برای انتخاب گروهی که بتواند برای منافعشان چانه‌زنی کند، و این گروه به حد کفایت بزرگ، و مستقل است و به اندازه کافی صلاحیت برای انجام این امور را داشته باشد. اتحادیه مستقل تجاری با حق چانه‌زنی جمعی در مورد دستمزد، سود،

۱۳ - امنیت پایه بدین معناست که: اولاً محدود می‌کند تأثیر ناطمینانی‌ها و ریسک‌هایی را که مردم روزانه با آن‌ها مواجهند، ثانیاً فراهم می‌کند محیطی اجتماعی را که در آن مردم می‌توانند به برخی از اجتماعات تعلق داشته باشند، تا فرصتی منصفانه برای پیگیری شغل دلخواه و توسعه ظرفیت‌هایشان، یعنی، همان چیزی که سازمان بین‌المللی کار آن را کار شرافتمندانه می‌نامد، داشته باشند.

۱۴ - امنیت بازار کار از آنجا نشأت می‌گیرد که فرصت‌های فراوانی برای فعالیت‌های به دست آوردن درآمد کافی وجود داشته باشد. این شاخص یک جزء ساختاری دارد، که نماینده انواع و کمیت فرصت‌ها می‌باشد. به علاوه، یک بعد شناختی دارد، همان‌طور که ویژگی‌های این است که انتظار می‌رود که فرصت‌ها کافی هستند یا به حد کفایت خواهند رسید. سیاست‌های با هدف افزایش این شکل از امنیت عبارتند از:

سیاست‌های کلان اقتصادی با هدف اشتغال کامل، ایجاد بنگاه‌های اشتغال، و دیگر خدمات جایگزین.

۱۵ - امنیت اشتغال حمایتی است علیه از دست دادن کار درآمدزا. برای کارگران دارای دستمزد و حقوق، امنیت اشتغال در سازمان‌ها و کشورهای ایجاد می‌شود که در آنجا حمایت نیرومندی علیه اخراج ظالمانه یا دلخواهی وجود دارد و در جاهایی که کارگران می‌توانند اخراج ظالمانه را جبران کنند. برای کارگران خوداشتغال، امنیت اشتغال به معنای حمایت علیه از دست دادن ناگهانی کار مستقل و سقوط کسب‌وکار است. اشکال نوعی افزایش امنیت اشتغال عبارتند از:

حمایت علیه ۱- اخراج دلخواهی، ۲- مقررات خودسرانه در مورد استخدام و اخراج، ۳- تحمیل هزینه‌ها و عوارض بر کارفرمایان در صورت نقض از هواداری مقررات.

۱۶ - امنیت شغل نشان‌دهنده وجود موقعیت‌های خوب در سازمان‌ها و در طول بازارهای کار است که به کارگران اجازه می‌دهد تاحدی کنترل بر محتوای شغل و فرصتی برای ایجاد تخصص داشته باشد. نظر به اینکه امنیت اشتغال اشاره دارد به فرصت نیروی کار برای تداوم کار در یک بنگاه، امنیت شغل اشاره دارد به توانایی نیروی کار برای پیگیری خطی از کار که با منافع، آموزش، و مهارت‌هایش مرتبط است. سازوکارهای حمایتی عبارتند از:

موانع تضعیف مهارت از قبیل محدودیت‌های حرفه‌ای، شرایط احراز شغل، شیوه‌های محدودکننده، اتحادیه‌های حرفه‌ای، و غیره می‌باشند.

۱۷ - امنیت کار نشان‌دهنده شرایط کاری در سازمان‌هایی است که امن هستند و رفاه نیروی کار را ارتقاء می‌بخشند.... ابزارهای حمایتی برای امنیت کار عبارتند از:

تدابیر احتیاطی و بیمه علیه تصادفات و بیماری در کار، و ایجاد حد و مرزهایی در زمان کار.

۱۸ - این امنیت نشان‌دهنده دسترسی کارگران به آموزش پایه و نیز یادگیری شغلی برای توسعه ظرفیت‌ها و دستیابی به کیفیت‌های مورد نیاز برای شغل‌های باارزش اجتماعی و اقتصادی است. راه‌های افزایش چنین امنیتی عبارتند از:

سیاست‌های ایجاد فرصت‌های گسترده برای دستیابی و احراز مهارت‌ها از طریق آموزش، کارآموزی، و یادگیری کاری.

و شرایط کار، و همین‌طور تنظیم شیوه‌های کار و اعتصاب از قالب‌های مرسوم تضمین امنیت نمایندگی است.

امنیت اقتصادی جامع یا سیستمی

اگر بخواهیم نگاهی مستقل و به دور از تضادهای مکاتب اقتصادی به مقوله امنیت اقتصادی داشته باشیم بطور طبیعی به امنیت اقتصادی برای نظام اقتصادی هر جامعه و اجزاء و محیط پیرامون آن نظام باید توجه کنیم. اگر به مباحث اقتصاد کلان هم که بطور عمده برای کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نوشته شده است نگاه گذرای داشته باشیم و اهداف این نظام‌ها را مرور کنیم ملاحظه خواهیم کرد که یکی از مهم‌ترین اهداف، ثبات اقتصادی یا «ثبات در اقتصاد کلان»^{۲۱} است که مترادف امنیت اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه می‌باشد. ثبات قیمت کالاها و خدمات نهایی (کاهش تورم)، ثبات و تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی، ثبات و تعادل در دخل و خرج دولت، ثبات نرخ‌های سود و بهره، ثبات بازارهای عوامل تولید، و کاهش نرخ بیکاری از مؤلفه‌های اساسی امنیت اقتصادی یک کشور محسوب می‌شوند. همه این مؤلفه‌ها وقتی برقرار است که به امنیت نظام اقتصادی توجه کنیم. از سوی دیگر، اگر به سطوح معرفی شده برای امنیت اقتصادی در سطح فرد، خانوار، بنگاه، دولت، بخش سوم، ملت، منطقه، و بین‌الملل توجه شود، باز نگاه‌ها به امنیت نظام اقتصادی و محیط پیرامون آن جلب خواهد شد. از دیگر سو، آثار تغییر سیستمی بر امنیت ملی کشورها در جهان بدون مرز و در عصر جهانی شدن لزوم توجه جدی به تعریفی جدید از امنیت اقتصادی را ضروری می‌سازد. به نمودار ذیل توجه کنید:

نمودار - اثر تغییر سیستمی بر امنیت ملی

جهان متشکل از ملت‌های مستقل	جهان متشکل از بلوک‌های منطقه‌ای	جهان بدون مرز
برداشت فردی از مفهوم امنیت	برداشت فردی متوسط از مفهوم امنیت	برداشت فردی کمتر از مفهوم امنیت
کارآیی اقتصادی اندک در جهان	کارآیی متوسط در سطح جهان	کارآیی بالای اقتصادی در جهان
تحرك اندك سرمایه، افراد، منابع، عقاید و فناوری	تحرك متوسط سرمایه، افراد، منابع، عقاید و فناوری	تحرك بالای سرمایه، افراد، منابع، عقاید و فناوری
قلت گروه‌های فراملی و فراملی	ظهور تعدادی گروه‌های فراملی و فراملی	كثرت گروه‌های فراملی و فراملی
وابستگی متقابل اندك	وابستگی متقابل شدید منطقه‌ای	وابستگی متقابل جهانی چندبعدی
تکیه بر ملاحظات امنیتی در يك ملت	تأکید بر ملاحظات امنیتی در يك منطقه	تأکید و تمرکز بر ملاحظات امنیتی بین‌المللی

ر.ک: (ماندل، ۱۳۷۹، ص ۴۰).

به هر تقدیر، یکی از نزدیک‌ترین تعریف‌ها به امنیت نظام اقتصادی، تعریفی است که از سوی سازمان اطلاعات و امنیت کانادا صورت گرفته است:

«امنیت اقتصادی حفظ و نگهداری شرایط لازم برای ترغیب بهبودهای پایدار، بلندمدت، و نسبی در بهره‌وری نیروی کار و عامل سرمایه؛ و بنابراین، پیشبرد استانداردهای بالا و فزاینده برای شهروندان کشور می‌باشد، که شامل حمایت از محیط کسب و کار

منصفانه، امن، و پویایی که - موجب نوآوری، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، و رشد اقتصادی پایدار شود- است. این هدفی است که توسط تمامی حکومت‌ها تعقیب می‌شود» (Canadian Security Intelligence Service, Revised February 2004, Backgrounder No. 6).

این تعریف علیرغم توجه ویژه به جنبه‌های تولید، به افزایش استانداردهای زندگی برای شهروندان (مصرف‌کنندگان) نیز تأکید دارد. لذا می‌توان آن را تعریفی برای امنیت نظام اقتصادی در نظر گرفت.

تعریف دیگر از ماندل است که توجهش را معطوف به حفظ و ارتقای شیوه زندگی مصرفی از طریق تولید داخلی و خارجی نموده است. بنابراین، از دیدگاه ماندل، امنیت اقتصادی به معنای «میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی» می‌باشد (ماندل، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸).

در این تعریف، علاوه بر حفظ و نگهداری وضعیت رفاهی مردم، به حفظ و نگهداری شرایط تولیدی مردم در درون سیستم و محیط پیرامونی آن نیز توجه می‌کند.

امنیت اقتصادی دولت

در ادبیات اقتصادی، بُعد دیگری نیز برای امنیت اقتصادی در نظر گرفته شده که در دستور کار امنیت ملی هر کشور قرار دارد. در واقع، این بُعد را می‌توان «امنیت اقتصادی دولت» نامید که با دو شاخص «دسترسی سریع کشور به کالاهای ضروری و راهبردی» و «رشد نسبی اقتصادی کشور» ارزیابی می‌شود (ر.ک: اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۱۰؛ و بوزان، ۱۳۷۸، ص ۲۷۲). در واقع، امنیت اقتصادی دولت تعبیر دیگری از استقلال اقتصادی کشور می‌باشد.

جمع‌بندی

امنیت به معنای «عدم انتظار امر ناخوشایند در آینده» می‌باشد. امنیت مطلق به معنای بی‌خوفی، و بی‌خطری مطلق وجود ندارد؛ همواره خطر و آسیب‌پذیری به عنوان امور ناخوشایند و مکروه انتظار می‌رود. انسان ایمن و نظام ایمن انسان و نظامی است که یا به خاطر خوش‌بینی یا خوش‌خیالی و یا به خاطر پیش‌بینی‌های لازم انتظار خطر و آسیب‌پذیری را به حداقل رسانده است. در واقع، ساختارها و فرایندهای نظام انسانی یا طبیعی یا مصنوعی یا اجتماعی - فرهنگی به نحوی آمادگی دارند که انتظار خطر و آسیب‌پذیری در آن‌ها به حداقل ممکن تنزل یافته است.

البته، اگر تغییری در محیط پیرامون سیستم‌های طبیعی، مصنوعی، حیوانی، انسانی، و اجتماعی ایجاد شود و ساختارها و فرایندها کارکرد متناسب را نداشته باشند ایمنی سیستم دچار خطر یا آسیب می‌شود. بنابراین، در مورد همه سیستم‌ها همواره انتظار ناامنی وجود دارد. لذا امنیت ملی و امنیت اقتصادی نیز در تعریف نهایی امری سیستمی می‌باشند، و اگر اجزاء نظام، ساختارها، فرایندها، و محیط نظام و خرده‌نظام اقتصادی پایش نشوند امکان خلل و خطر و آسیب همواره وجود دارد.

تعریف منتخب از امنیت اقتصادی

از ادبیات و پیشینه تحقیق و مجموع مطالبی که اندیشمندان و اقتصاددانان مسلمان در مورد امنیت اقتصادی بیان کرده‌اند چند مطلب استخراج می‌شود:

- ۱- امنیت اقتصادی واژه‌ای عرفی است نه شرعی. لذا اجزاء و ابعاد آن را از عرف عام یا خاص می‌توان شناخت.
- ۲- برخی از ابعاد این مفهوم با امنیت سرمایه مرتبط است و حرمت مال مؤمن در روایات بدان اشاره دارد. دیگر ابعاد آن با امنیت معیشتی یا امنیت درآمدی و اشتغال ارتباط دارد و آیات و روایات فقرزدایی بر این مطلب تأکید دارند.
- ۳- آزادی اقتصادی در کادر محدود با امنیت اقتصادی عموم مردم گره خورده است، زیرا مکتب اقتصادی اسلام با مجموعه ارزش‌ها، قوانین (از جمله قوانین مربوط به مالکیت دولتی، عمومی، و خصوصی)، و سیاست‌های دولت منتخب اسلامی از یک سو، به امنیت سرمایه‌گذاری اعم از سرمایه‌های کوچک و بزرگ توجه می‌کند، و از سوی دیگر، به امنیت شهروندان اعم از طبقه متوسط و فقیر در عرصه‌های اقتصادی توجه خاص دارد.

۴- امنیت اقتصادی به ابعاد مختلف تولید، توزیع، مصرف، در بخش خصوصی، بخش دولتی، و بخش سوم، و در محیط داخلی و خارج یک کشور مرتبط است. لذا امنیت اقتصادی سیستمی تصور می‌شود.

اما برای دستیابی به تعریفی جامع و مانع لازم است از مجموعه اطلاعات ارائه شده در عناوین «تعریف امنیت»، «تعریف امنیت ملی» و «سیر تحول مفهوم امنیت اقتصادی» استفاده شود، در عین حال که منافاتی هم با اطلاعات ارائه شده از ناحیه اندیشمندان مسلمان نداشته باشد.

با بررسی‌های انجام شده در سطح امنیت ملی و در سطح امنیت اقتصادی پذیرفتیم که نگاه مستقل و درست نگاه سیستمی است. در نظریه سیستم‌ها، امنیت ملی به معنای امنیت فرهنگ (امنیت روح نظام)، امنیت اجزاء نظام (شرکت کنندگان، نهادها، سازوکارها، منابع)، و امنیت محیط (امنیت مرزی، امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی) می‌باشد. این نگاه حتی در راهبرد امنیت ملی ایالات متحده به روشنی مشاهده می‌شود (The White House, 2010, p.17). در این راهبرد، امنیت ارزش‌های آمریکایی (امنیت فرهنگ و روح نظام سرمایه‌داری آمریکا)، امنیت شهروندان و دیگر اجزاء نظام، و امنیت مناطق مختلف تحت سیطره این کشور بطور صریح مطرح شده است.

امنیت اقتصادی با امنیت انتظارات گره خورده است. امنیت مطلق در بهشت، و ناامنی مطلق در جهنم وجود دارد. ولی در دنیا هم می‌توان عصر و زمانه‌ای را تصور کرد که تا حدود زیادی انتظار می‌رود که امنیت مطلق حاکم باشد. ادیان توحیدی انتظار عصر ظهور منجی آخرالزمان و چنین امنیتی را دارند. می‌توان چنین امنیتی را به عنوان یک استعاره یا مدل ایده آل تلقی کرد. ولی واقعیت این است که امنیت در سیستم‌های اجتماعی با ناامنی پیچیده مقارن است. اگر انتظار و پیش‌بینی ریسک (از دست دادن چیزی در محیط) یا انتظار و پیش‌بینی خطر (از دست دادن چیزی در آینده به خاطر تصمیم اتخاذ شده به وسیله سیستم) نرود امنیت وجود دارد، در غیر این صورت ناامنی هست. بنابراین، ریسک و خطر همواره وجود دارد، ولی مهم نظارت و مدیریت و توانا کردن سیستم برای پردازش موفق ریسک و خطر می‌باشد.

چون ارزش‌گذاری ریسک و خطر در هر نظام اقتصادی متفاوت است، لذا امنیت اقتصادی با امنیت هویت گره خورده است. لذا می‌بایست به نقش فرهنگ مکتوب و شفاهی و ارزش‌های حاکم بر آن نظام توجه خاص کرد.

با توجه به ملاحظات فوق، و با لحاظ اینکه امنیت اقتصادی بستر ساز رشد اقتصادی و عدالت اقتصادی است، لذا می‌توان به تعریف ذیل رسید:

«امنیت اقتصادی فضا و بستری نهادین از ارزش‌ها، قوانین، و سیاست‌های دولت است که پیشرفت اقتصادی و عدالت اقتصادی را در یک نظام اقتصادی ایجاد و پیوسته ارتقاء می‌بخشد».

این تعریف ویژگی‌های ذیل را داراست:

۱. امنیت اقتصادی فضا و بستری نهادین و تثبیت شده است. یعنی، فضا و بستری از نظارت، مدیریت، و کنترل اطلاعات فراهم شده که مورد پذیرش شرکت کنندگان نظام قرار گرفته و چارچوب بازی را پذیرفته‌اند.
۲. این چارچوب بازی شامل ارزش‌های جهان‌شناختی، اخلاقی، و رفتاری‌ای در هر نظام اقتصادی می‌شود تا بتواند معیارهای لازم برای ارزیابی خطر، ریسک، و آسیب را ارائه کند.
۳. قوانین حاکمیتی و سیاست‌های حاکمیتی مرتبط با حوزه‌های تولید، توزیع، و مصرف از اجزاء دیگر این چارچوب می‌باشند.
۴. هدف امنیت اقتصادی همان هدف نهایی نظام اقتصادی است که ایجاد رفاه اقتصادی از طریق ایجاد پیشرفت و عدالت می‌باشد.
۵. از آنجا که امنیت اقتصادی در یک نظام اقتصادی محقق می‌شود، بنابراین، لازم است در محیط پیرامونی این نظام نیز

فعالیت‌هایی از لحاظ تأثیرگذاری ارزشی، قانونی، و سیاستی انجام پذیرد تا محیط درونی این نظام بهتر کار کند.

۶. ارتقاء پیوسته به امنیت اقتصادی دولت یا استقلال اقتصادی اشاره دارد. البته، امنیت اقتصادی سطوح گوناگونی دارد، ولی کشوری که می‌خواهد قله‌های رفاه اقتصادی را فتح کند همواره باید این سطح حداقل را تأمین کند.

تفاوت ناامنی اقتصادی با ریسک و عدم اطمینان

فقدان امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای عقب‌مانده در جهان کنونی است که موجب می‌شود هیچ‌گاه رنگ و بوی توسعه و پیشرفت را احساس نکنند. بی‌ثباتی سیاسی ناشی از تهدیدهای امنیتی داخلی و خارجی مانند جنگ و ناآرامی‌های اجتماعی، ناکارآمدی سیاسی ناشی از میزان جرم و جنایت، فساد اداری، دیوان‌سالاری، و بی‌ثباتی سیاست‌های دولت در جهت تأمین اهداف اقتصادی، برخی از شاخص‌های ناامنی اقتصادی می‌باشد که موجب خروج سرمایه‌های انسانی و فیزیکی از چرخه اقتصاد یک کشور می‌شود. در این حالت، دولت‌ها در ایجاد کالای عمومی امنیت ناتوان بوده و چشم‌انداز هر فعالیت اقتصادی تقریباً هیچ سودی را احتمال نمی‌دهد. لذا هر فعال اقتصادی سعی می‌کند سرمایه و کار خود را به مکان‌های امن‌تر انتقال داده و با تبدیل سرمایه خود به پول نقد و دارایی‌های خارجی، هرگونه آثار ناامنی را به حداقل برساند.

بنابراین، مفهوم ناامنی اقتصادی به معنای محیطی است که در آن امکان سودآوری اقتصادی نزدیک به صفر است. ناامنی اقتصادی با ریسک اقتصادی تفاوت دارد. امنیت اقتصادی با ریسک اقتصادی سازگار است، زیرا در شرایط ریسک، فعالان اقتصادی با چند احتمال الف، ب، ج، و ... در حرکت اقتصادی خود روبه‌رو هستند، که بطور مثال، «الف» بالاترین سود با ریسک و هزینه بیش‌تر، «ب» کمترین سود با کمترین ریسک و هزینه، و «ج» با سود مناسب و هزینه و ریسکی ملایم می‌باشد. هر فعال اقتصادی با توجه به درجه ریسک پذیریش از میان چند احتمال فوق‌هزینه - فایده‌کرده و انتخاب خود را انجام می‌دهد. در حالت وجود ریسک، فعال اقتصادی با سردرگمی برای تصمیم‌گیری در مورد شروع یا تداوم فعالیت مواجه نیست. امروزه با ورود صنعت بیمه و گسترش آن در بازارها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی به خصوص در کشورهای توسعه‌یافته که صنعت بیمه در آن‌ها از شرایط و ابزارهای مناسب‌تری برخوردار است، فعالان اقتصادی با بیمه کردن فعالیت‌های خود در برابر بی‌ثباتی، ریسک و ... خود را در مقابل خطرات پیش‌رو مصون می‌کنند.

فضای نبود اطمینان، اندکی با شرایط ریسک متفاوت است. در این فضا فعالان اقتصادی با گزینه‌هایی روبه‌رو هستند که در هر کدام از آن‌ها احتمال موفقیت (سودآوری) و شکست (زیان‌دهی) مشخص نیست. بنابراین در فضای عدم اطمینان نمی‌توان از مجموع احتمالات سودآوری یا زیان‌دهی جمع‌جبری گرفت. در واقع در این شرایط، تنها در زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری شده یا فعالیت اقتصادی صورت می‌گیرد که یا دولت از آن پشتیبانی کرده و آن را ضمانت نماید، یا فعال اقتصادی به دلیل برخورداری از انحصارات خاص، بتواند سود بیش‌تری را تخمین بزند یا به دلیل وجود انگیزه‌های غیر اقتصادی (مانند انگیزه‌های ایدئولوژیک و نظایر آن)، ادامه فعالیت در وضعیت عدم اطمینان موجه باشد (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷، ص ۵۵).

جایگاه امنیت اقتصادی و ارتباط آن با سایر اهداف

چهار هدف اصلی معنویت، امنیت، پیشرفت و عدالت در نظام اقتصادی اسلام معیار تصمیم‌گیری هستند، هرچند همه این‌ها بر اساس عقلانیت و مصلحت لحاظ شده و در نهایت، تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد.

توسعه معنویت و دستیابی به حیات طیبه هدف نهایی خلقت انسان است، و در تمامی نظام‌های اسلامی از جمله نظام اقتصادی وجود دارد، و انسان بدون معنویت بهره‌ای از انسانیت نخواهد داشت. اما سه هدف دیگر که بستر توسعه معنویت هستند و خود از نیازهای اساسی همه بشریت می‌باشند و با وجود دولت دینی به تحقق کامل می‌رسند عبارتند از: امنیت، پیشرفت، و عدالت. این سه هدف هم از این روایت استفاده شده که «ثلاثة اشياء يحتاج الناس طراً إليها الامن والعدل والخصب» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هجری قمری، ص ۳۱۹). یعنی: سه چیز است که همه مردم به آن احتیاج دارند: ۱. عدالت ۲. امنیت ۳. وفور و فراوانی.

روشن است که اطلاق واژه‌های «امن» و «عدل» شامل امنیت اقتصادی و عدالت اقتصادی می‌شود. اما «خصب» ظهور در

شکوفایی، باروری، حاصل خیزی، فراوانی، و پر خیر و برکتی دارد (ر.ک: المنجد، ذیل همین واژه)، که لازمه‌اش پیشرفت اقتصادی و رشد اقتصادی مداوم می‌باشد.

حال این پرسش مطرح است که جایگاه امنیت اقتصادی در نظام اقتصادی اسلامی کجاست؟ آیا امنیت اقتصادی بستر فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌آورد یا خیر؛ بلکه، هدف این نظام است؟ یا این که به یک لحاظ بستر و فضاست، و به لحاظی دیگر هدف؟ یا در یک ظرف زمانی بستر و فضای فعالیت است و در ظرف زمانی دیگر هدف؟ پاسخ به این پرسش در گروی تبیین جایگاه امنیت اقتصادی و ارتباطش با معنویت، پیشرفت، و عدالت است.

امنیت اقتصادی: بستر یا هدف؟!

جامعه اسلامی مطلوب جامعه‌ای است که در آن معنویت، عدالت، پیشرفت و امنیت نهادینه شده است. در این جامعه، رهبری و امت با لحاظ مصلحت و عقلانیت ناشی از اجتهاد فقهی و کارشناسی علمی سطوح مختلف ضرورت، لزوم، و تسهیل هر یک از معیارهای چهارگانه فوق را شناسایی نموده و با توجه به شرایط زمان و مکان اولویت‌های مرتبط با اهداف و معیارهای فوق را سنجیده و تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند.

در چنین جامعه‌ای امنیت اقتصادی هدفی است در کنار سایر اهداف؛ لذا در صورت تراحم این اهداف با یکدیگر می‌بایست مطابق دستورالعمل‌های مطرح در اصول فقه و با لحاظ مسائل کارشناسی عمل کرد. نمونه‌ای از تبیین این مسأله در کتاب «نظام اقتصادی اسلام» آمده است (ر.ک: میرمعزی، ۱۳۹۰، صص ۲۴۰-۲۳۴).

اما اگر در جامعه اسلامی هیچ‌یک از امور فوق نهادینه نشده و در واقع، نظام اقتصادی اسلام هنوز ایجاد نشده است و فقط نظام سیاسی اسلام ایجاد شده، تقدم و تأخر اهداف مطرح نیست، بلکه هویت، بستر و کیفیت مطرح می‌شود، و در اینجا است که هویت حرف اول را می‌زند، بستر و فضا نظام‌سازی هویتی می‌کند، و آن‌گاه کیفیت حرکت مطرح می‌شود. البته، پس از دستیابی به حد قابل قبولی از نظام‌سازی هر یک از عناوین فوق در هم‌دیگر تأثیر متقابل گذاشته و موجب هم‌افزایی و تقویت نظام می‌شوند. این قاعده نظام‌سازی است و فوق قواعد شرعی حاکم بر تراحم اهداف و مصالح است. در واقع، کارآمدی هر نظام مبتنی بر سه مرحله هویت‌سازی، فضا‌سازی، و سپس کیفیت‌سازی می‌باشد. هویت و فضا مسیر را آماده نموده و آن‌گاه کیفیت‌سازی صورت می‌گیرد.

حال با توجه به این مقدمه، می‌توان نقش معنویت را هویت‌سازی، نقش امنیت را بستر‌سازی، و نقش پیشرفت و عدالت را کیفیت‌سازی تلقی کرده و این نقش‌ها را تصویرسازی کنیم.

ارتباط امنیت اقتصادی با معنویت

حضرت امام خمینی (ره) هدف عمده دین و انبیاء الهی را «توسعه معرفت‌الله» دانسته و می‌فرماید: «عمده نظر کتاب الهی و انبیای عظام بر توسعه معرفت است. تمام کارهایی که آن‌ها می‌کردند، برای این که معرفت‌الله را به معنای واقعی توسعه بدهند؛ جنگ‌ها برای این است، صلح‌ها برای این است، و عدالت اجتماعی، غایتش برای این است. این طور نیست که دنیا تحت نظر آن‌ها بوده است که می‌خواستند فقط دنیا اصلاح بشود. همه را می‌خواهند اصلاح بکنند» (حضرت امام خمینی (س)، ۱۳۸۶ ه. ش، ج ۱۹، ص ۱۱۵). لذا مؤمنین هنگامی که امکان تشکیل دولت را پیدا کنند به توسعه معنویت که نمادش در قرآن کریم برپاداشتن نماز است اقدام می‌کنند^{۲۲} (طباطبایی (ره)، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۴، ص ۳۸۷). ولایت روح معنویت در اسلام است، و هنگامی که ولایت تضعیف شود یا نادیده گرفته شود یا ولی ضعیف باشد تقدس جامعه تضعیف یا نابود می‌شود. گفتنی است که دین (همه بخش‌های عقاید، اخلاق، حقوق و فقه که بخش مهمی از آن‌ها از امور اعتباری هستند) و امور مقدس به جهت ارتباط و پشتوانه‌ای که نسبت به حقایق تکوینی^{۲۳} دارد نه تنها با ورود در عالم عرف قداست خود را از دست نمی‌دهد، بلکه موجب قدسی شدن امور عرفی خواهد

۲۲ - الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (الحج: ۴۱).

۲۳ - مراحل مختلف نظام تکوین - به ترتیب قوس صعود - عبارت است از عالم طبیعت، مثال، عقل و لقاء الله. کیفیت نضد و چیش مراتب یادشده، این است

شد.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های نظام‌های مذهبی از آغاز تاریخ تاکنون تضاد بین محتوی و شکل یا تضاد بین اهداف و ابزارها و توجه بیش‌تر به شکل و ابزار می‌باشد. این آسیب موجب تهی شدن این نظام‌ها از محتوی و فراموش شدن اهداف شده و نزاع مذهب علیه مذهب را موجب شده است. اگر حتی عدالت، حقوق مالکیت، و قانونمندی در جامعه اسلامی به خوبی پیاده شود، اما به معنویت و نظام محتوایی الهی توجه کافی نشود محتوای این نظام آسیب خواهد دید و روند دنیاطلبی جریان پیدا خواهد کرد و نظام اقتصادی اسلام به پوستینی وارونه و نظام مورد غضب پروردگار تبدیل خواهد شد. لذا در مسیر نظام‌سازی اقتصادی مبتنی بر اسلام هدف نهایی معنویت و حیات طیبه در رأس امور است و امنیت اقتصادی در چارچوب معنویت و اخلاق اسلامی معنا پیدا می‌کند.

بطور کلی انسان متدین و جامعه دیندار هدفش حیات طیبه است و نباید رضایت دهد که صداقت، امانت، و درستکاری که از اصول اخلاقی مهم اسلام است نداشته باشد، هر چند معاملات و قراردادهایش صحیح بوده و مالک بشود. علامه شعرانی (ره) به دانشمندان، مبلغان، و سیاست‌گزاران جامعه اسلامی توصیه می‌کند که می‌بایست معصیت و حرمت گناهان اقتصادی بزرگ جلوه داده شود و به گناهکار پشیمانی دست دهد والا برخلاف روش خدا و رسول گرامی عمل شده است (ر.ک: شعرانی، ۱۳۹۸ ق، واژه‌های تطفیف و خلف).

پیامبر گرامی اسلام ۹ سیزده سال در مکه مکرمه پایه‌های اعتقادی و اخلاقی و رفتاری مسلمانان را مستحکم نمود به نحوی که ولایت‌پذیری مناسبی پدید آمد، و در مدینه منوره نیز با همین پشتوانه ایمانی به تدریج با افزایش عرضه کالاها و خدمات فرهنگی اسلام مانند تبلیغات و گسترش مساجد، و منع و هزینه‌مند کردن عرضه کالاها و خدماتی که به نوعی با معنویت در تضاد بودند مانند ابلاغ مکاسب محرمة به توسعه معنویت کمک شایسته‌ای نمود. مرور اجمالی بر روایات و گفته‌های فقهی در مسایلی نظیر حرمت سحر، کفالت، شعبده، بیع اصنام، مجسمه‌سازی و تصویرگری، اولویت معنویت (امنیت اعتقادی، اخلاقی، و رفتاری) بر امنیت اقتصادی صاحبان این مشاغل را آشکار می‌سازد. شاید یکی از دلایل شدت برخورد اسلام با مسئله ارتداد (رد اصل دین؛ رد اصول دین؛ رد کارگزاران دین)، سب‌النبی، شیطان پرستی، و ... حفظ امنیت فکری و اخلاقی و در یک کلام حفظ و توسعه معنویت باشد (ر.ک: اسماعیلی، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۷۲).

البته، در مبحث مهم نظام‌سازی فقط نباید به الزامات شرعی تمسک کرد، بلکه حتی به ترجیحات شرعی یعنی مستحبات و مکروهاتی که اخلاق مردم را تلطیف کرده و سعادت آنان را بهتر تضمین نموده نیز باید توجه نمود. اسلام می‌خواهد دروغ، تهمت، سوءظن، غیبت، اهانت، استخفاف، اخافه، خصومت و قهر و هجران، سخن‌چینی، حسد، کبر نسبت به دیگران و مواردی مانند آن از جامعه اسلامی رخت بر بندد، مال و آبروی دیگران، حرمتی مانند حرمت جان آنان داشته باشد، برای هر تجاوز و ستمی، ولو به اندازه «مقال ذره»، کیفر قطعی انتظار رود، و از سوی دیگر حسن ظن به دیگران، احسان، ایثار و انفاق الزامی گردد، و در یک کلام، همه اعضای جامعه، خود را برادر یکدیگر بدانند. اگر چنین نظامی بخواهد تحقق یابد قهر معنویت و ولایت با توجه به عقلانیت حرف اول را می‌زند.

که از ناقص و مستکفی شروع، و به تام و فوق تام ختم می‌شود. این مراحل، چگونگی سیر انسان به سوی پروردگار را تبیین می‌کند؛ مسیر حقیقی و واقعی‌ای که انسان سالک باید یکی پس از دیگری، مراحل آن را طی کند تا به نهایت آن یعنی لقای الهی دست یابد. پس، با نظامی در عالم تکوین رو به رو هستیم که کاملاً به هم مرتبط و مربوط است و هر یک، حقیقت یا رقیقه یکدیگر است. از این روست که دین و هر چیزی را که جنبه الهی داشته باشد، نباید تنها در ظاهرشان خلاصه کرد، بلکه در آن سوی ظاهر اعتباری، امور حقیقی وجود دارد که پشتوانه تکوینی امور اعتباری است یعنی امور اعتباری اخلاق، فقه و حقوق هم مسبوق به ملاک‌های تکوینی است و هم ملحق به پاداش و کیفر تکوینی و با وجود چنین پشتوانه‌هایی، دین و امور الهی و مقدس با ورود به عالم عرف، نه تنها قداست خود را از دست نمی‌دهد، بلکه به امور پیرامون خود نیز تقدس می‌بخشد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶، صص ۱۰۵-۱۰۱).

در نهایت، اگر بخواهیم امنیت اقتصادی، پیشرفت اقتصادی، و عدالت اقتصادی را در جامعه اسلامی نهادینه کنیم، لازم است ابتدا معنویت و ارزش‌های انسانی مانند ارزش بودن عمل صالح و خیرخواهی بر ارزش‌های مادی چون ثروت‌اندوزی، قدرت‌طلبی، و جاه‌طلبی ارجح و اولی باشند تا هویت اسلامی و دینی شکل گرفته و نهادینه شوند والا همواره در معرض خطر ظاهرگرایی، دورویی، و مذهبی بودن از درون تهی خواهیم بود و نهادهایی به‌ظاهر اسلامی خواهیم داشت که هیچ رنگ‌وبویی از اسلام واقعی نخواهند داشت و در نتیجه، کارآمدی لازم را نخواهند داشت، و به تعبیری نهادهای رسوب‌کرده و باتالقی می‌شوند که مانع پیشرفت جامعه خواهند شد.

ارتباط امنیت اقتصادی با پیشرفت اقتصادی

پیشرفت و توسعه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی دارد. بعد اقتصادی آن را توسعه یا پیشرفت اقتصادی می‌نامند که هدف اصلیش ثروت‌سازی است. از توسعه اقتصادی تعریف‌های متعددی صورت گرفته است که بیش‌تر آن‌ها مبهم، ناقص، و محدود هستند. در این قسمت، ابتدا چند تعریف از اقتصاددانان توسعه ارائه می‌کنیم که از ابهام و نقص کمتری برخوردارند:

فرانسوا پرو اقتصاددان فرانسوی: «توسعه اقتصادی ناشی از تغییرات روحی و اجتماعی قوم یا ملتی است که در نتیجه این تغییرات روحی و اجتماعی قدرت تولیدی نظام اقتصادی در یک جبهه وسیع پیوسته و مداوم افزایش می‌یابد» (موسایی، ۱۳۷۴، ص ۴۴ و ۴۵).

کیندل برگر: رشد اقتصادی فقط به معنای تولید محصول بیش‌تر است ولی توسعه اقتصادی هم بر معنای تولید بیش‌تر دلالت دارد و هم بر معنای پدید آمدن تحول در چگونگی تولید محصول، و بر تجدید نظر در تخصیص منابع و نیروی کار بر شعبه‌های مختلف تولید دلالت دارد (کیندل برگر، ۱۳۵۱، ص ۷).

سیمون کوزنتس: رشد نوین اقتصادی یا همان توسعه اقتصادی اتفاق افتاده در غرب را چنین تعریف می‌کند: «افزایش بلند مدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کل تا بتوان نیازهای جمعیت را تأمین کرد» (کوزنتس، ۱۳۷۲، ص ۱۷).

همان‌طور که از این تعریف‌ها پیداست افزایش بلندمدت ظرفیت تولید که موجب افزایش عرضه می‌شود، و ساختار اقتصاد تغییر می‌کند محور توسعه و پیشرفت اقتصادی است. اما اینکه مبانی و اهداف نظام اقتصادی چیست و کدام نیاز جمعیت برطرف شود مطلق است.

تعریف پیشرفت اقتصادی اسلامی: پیشرفت اقتصادی اسلامی فرایند هدایت‌شده تغییرات ساختار اقتصادی و افزایش مداوم فرایند تولید مبتنی بر مبانی اعتقادی، اخلاقی، رفتاری، و اهداف مکتب اقتصادی اسلام است که درون نظام اقتصادی یک کشور اسلامی اتفاق می‌افتد.

اما امنیت اقتصادی فضا و بستری از ارزش‌ها، قوانین، و سیاست‌هاست که پیشرفت در این بستر امکان حرکت دارد. طبیعی است که بستر باید نرم و فراخ باشد تا پیشرفت به سرعت و سهولت انجام پذیرد. در اینجا برای اینکه رابطه بین امنیت اقتصادی و پیشرفت اقتصادی به مثابه ظرف و مظروف روشن شود فقط کافی است به شاخص‌های ارائه‌شده برای هر یک از این دو عنوان توجه شود:

شاخص‌های پیشرفت و توسعه اقتصادی مطابق دیدگاه سازمان ملل عبارتند از:

- ۱- تولید ناخالص داخلی سرانه؛ ۲- سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی؛ ۳- پس‌انداز ناخالص؛ ۴- پس‌انداز خالص
- تعدیل شده به مثابه درصدی از GNI^{24} ؛ ۵- نرخ تورم؛ ۶- نسبت وام به درآمد ناخالص ملی؛ ۷- نسبت اشتغال به جمعیت؛ ۸- اشتغال آسیب‌پذیر؛ ۹- بهره‌وری نیروی کار و هزینه واحد کار؛ ۱۰- سهم زنان در اشتغال پولی در بخش غیرکشاورزی؛ ۱۱- سرانه کاربران اینترنت در هر صد نفر جمعیت؛ ۱۲- خطوط ثابت تلفن در هر صد نفر جمعیت؛ ۱۳- تعداد مشترکین تلفن همراه در هر صد نفر؛ ۱۴- مخارج ناخالص داخلی تحقیق و توسعه به مثابه درصدی از تولید ناخالص داخلی؛ ۱۵- سهم گردشگری در GDP

24 - Gross National Income.

(United Nations, 2007, pp. 75-82.)

این شاخص‌ها اندازه پیشرفت را نشان می‌دهند و ارتباطی با امنیت اقتصادی که بستر این پیشرفت را فراهم می‌کنند ندارند. شاخص‌های امنیت سرمایه‌گذاری مطابق تحقیقی که مؤلف انجام داده است^{۲۵} عبارتند از:

الف) شاخص‌های نهادی شامل (۱- ثبات سیاسی دولت، ۲- شکاف میان انتظارات اقتصادی مردم و عملکرد واقعی اقتصاد، ۳- حقوق سیاسی، ۴- آزادی‌های مدنی، ۵- قوانین و سنت‌های حاکم، ۶- انکار قراردادهای توسط دولت‌ها، ۷- کیفیت بوروکراسی، ۸- جنگ داخلی، ۹- درجه تنش مربوط به تبعیض‌های نژادی، ملی، تروریسم سیاسی، ۱۰- اختلافات و درگیری‌های خارجی).

ب) شاخص‌های فرایندی شامل (۱- شاخص‌های سیاست اقتصادی که به ۶ دسته شاخص‌های سیاست تجاری، سیاست مالی، سیاست پولی، سیاست کنترل بازار، سیاست‌های آزادی ورود و خروج سرمایه، و سیاست ارزی تقسیم می‌شوند؛ و ۲- شاخص‌های سازمان‌های اقتصادی که به چهار دسته شاخص دخالت سازمان دولت در اقتصاد، شاخص نظام بانکی، شاخص سازوکار بازار سیاه، و شاخص قوانین و مقررات که با سازمان‌های قانون‌گذار مرتبط است تقسیم شده‌اند).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود شاخص‌های نهادی که اصلاً تعارض و تراحمی با شاخص‌های پیشرفت و توسعه اقتصادی ندارند. شاخص‌های فرایندی به‌ویژه شاخص‌های سیاست اقتصادی هرچند به‌ظاهر امکان تعارض و تراحم با شاخص‌های پیشرفت را دارند ولی وقتی به محتوای این شاخص‌ها توجه شود ملاحظه خواهد شد که محتوای این سیاست‌ها بسترسازی است و پشتیبان سیاست‌های رشد آفرین می‌باشند.

به هر تقدیر، نگاه به امنیت اقتصادی چه در بحث ارزش‌ها، چه در بحث قوانین، و چه در بحث سیاست‌ها و سازمان‌ها نگاه ایجاد فضا و بستر مناسب برای پیشرفت است، لذا تعارض و تراحمی بین این دو وجود ندارد. در واقع، پیشرفت اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام مقید به امنیت اقتصادی و معنویت است و می‌بایست خودش را با این دو قید حداکثر کند.

ارتباط امنیت اقتصادی با عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی بخشی از عدالت توزیعی است. عدالت توزیعی (distributive justice) - یا آنچه امروزه تعبیر رایجی در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی است - یعنی، عدالت اجتماعی به معنای برابری در توزیع امکانات و منابع جامعه است. منابع و امکانات جامعه را می‌توان به چهار گروه اصلی (قدرت، ثروت، منزلت، دانش و معرفت) تقسیم کرد. البته مراد از برابری، برابری صوری نیست، بلکه برابری برابرها و نابرابری نابرابرها در استحقاق است. یعنی، دولت یا نظام اجتماعی خیرها و مزایا و منابع را میان شهروندان خود برحسب تناسب‌های هندسی یعنی براساس استحقاق و شایستگی تقسیم می‌کند. این معنا از برابری در حوزه عدالت توزیعی قرار می‌گیرد (متوسلی و شعبانی، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۱۳۸-۱۳۷).

عدالت اقتصادی به معنای برابری ناشی از نوعی از استحقاق در توزیع شخصی ثروت است، بدین معنا که عدالت اقتصادی با رفاه اقتصادی ارتباط تنگاتنگی داشته و دارد. از دید رفاه اقتصادی، آنچه که اهمیت دارد توزیع شخصی است که شامل توزیع بازتوزیع^{**} می‌شود. منظور از توزیع شخصی، بررسی عنصرهای مشکله درآمدهای انفرادی و بُعدهای نسبی این درآمدها است. در این حالت، یعنی توزیع میان افراد، موضوع توزیع شخصی (یا توزیع بنابر بُعدهای درآمد) است. در توزیع درآمد شخصی، توزیع درآمد میان افراد جامعه - بدون توجه به چگونگی دریافت سهم از درآمد کل - مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، در بحث از درآمد شخصی به‌طور مستقیم روی رفاه افراد انگشت گذاشته می‌شود. در این نگاه، شخص اگر درآمدش بسیار پایین باشد فقیر

^{۲۵} - این مباحث در تحقیقی با عنوان «راهبردهای امنیت اقتصادی از دیدگاه اسلام» که برای مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شده آمده است. ^{**} یکی از نکته‌های که در جنبه‌های تحلیلی مفید است تمایز میان دو مفهوم «توزیع» و «باز توزیع» است. به تخصیص درآمدی که بر اثر مبادله‌های مورد توافق دو طرف در بازار انجام می‌پذیرد، توزیع اطلاق می‌کنند. اما هنگامی که جامعه فرایندهای اضافی بازاری یا غیربازاری را برای اصلاح و تعدیل آن توزیع خاص به کار می‌گیرد آن را باز توزیع (توزیع مجدد) می‌نامند.

است و این مسأله که وی درآمدش را از راه دستمزد، اجاره یا سود به دست آورده است، اهمیتی ندارد. به همین قیاس نیز اگر درآمد شخص، صرف نظر از چگونگی دریافت آن، عالی باشد وی را غنی می‌گویند. بنابراین، توزیع شخصی درآمد با رفاه اقتصادی افراد ارتباط مستقیم دارد (بار، ۱۳۶۷: ص ۲۶ - ۲۱).

از لحاظ منطقی، توزیع شخصی یا مسأله برابری اقتصادی در سه سطح برابری فرصت‌ها (Equality of Opportunity)،* برابری کارکردی (Functional Equality)،** و برابری نهایی (Equality of Outcome or End State Equality)*** مطرح می‌شود. دو سطح اول و سوم به بازتوزیع مربوط می‌شوند، و سطح دوم به توزیع. سطح اول به توزیع مجدد دارایی مربوط است و سطح سوم به توزیع مجدد درآمد.

امنیت اقتصادی با سطح دوم توزیع یعنی توزیع کارکردی اصطلاحاً کی ندارد، بلکه فضا و بستری است که پهن می‌شود تا بازار مناسب با اسلام در این فضا تنفس کند. در واقع، ابتدا قوانین مربوط به حقوق افراد، بنگاه‌ها، و دولت در چارچوب امنیت اقتصادی طراحی شده و هنگامی که نهادین شدند سازوکار بازار که محل عرضه و تقاضای کالاها و خدمات، سرمایه، نیروی کار، پول و ارز است، کارکرد خودش را خواهد داشت و توزیع مناسب صورت می‌گیرد. لذا اول امنیت اقتصادی، سپس توزیع کارکردی.

اما امنیت اقتصادی با سطح اول توزیع که به توزیع مجدد دارایی‌ها مربوط است ممکن است گاهی تداخل داشته باشد، گاهی تعارض، و گاهی تراحم. بطور مثال، قوانین مربوط به اصلاحات ارضی (زمین‌های موات) جهت زمین‌دار شدن کشاورزان هم امنیت اقتصادی آن‌ها را افزایش می‌دهد و هم برابری فرصت‌ها می‌باشد (تداخل). حال گاهی دولت اسلامی به خاطر ایجاد فرصت‌های برابر برای دهقانان بی‌زمین (که مصلحت نظام در آن است) اقدام به مصادره زمین‌های بایر ثروتمندان مشروع و قانونی می‌کند (تعارض). در اینجا دولت باید جبران کند. البته، اگر اموال ثروتمندان غیرقانونی یا نامشروع باشد از محل بحث خارج است و مصادره آن منافاتی با امنیت اقتصادی ندارد. اما گاهی تراحم می‌شود و فقط امنیت اقتصادی یا فقط فرصت‌های برابر باید محقق شوند، مانند ملی کردن یک صنعت و انکار قراردادهای مربوطه توسط دولت به منظور ایجاد فرصت‌های برابر؛ و یا بالعکس، اعطای انحصار یک صنعت به بخش خصوصی به مدت ده سال به منظور افزایش عرضه فلان کالا یا خدمت (که مصلحت منطقه محروم می‌باشد).

امنیت اقتصادی با سطح سوم توزیع که به توزیع مجدد درآمدها مربوط است رابطه عام و خاص من وجه دارد مانند حالت قبل. گاهی تداخل و هم پوشانی است مانند امنیت درآمدی و فقرزدایی. گاهی متعارضند مانند امنیت سرمایه‌گذاری و مالیات تصاعدی. در نهایت، گاهی هم تراحم می‌کنند مانند نزاع بین کارایی و عدالت در علم اقتصاد.

جمع‌بندی و نتایج

امنیت اقتصادی از دیدگاه اسلام سیستمی است، و ابعاد گوناگون فرهنگی، محیطی، فردی، نهادی، سازمانی، و سرمایه‌ای دارد. در تعریف منتخب به نقش ارزش‌ها، قوانین و سیاست‌های دولت در ایجاد امنیت اقتصادی رسیده و گفتیم که: «امنیت اقتصادی فضا و بستری نهادین از ارزش‌ها، قوانین، و سیاست‌های دولت است که پیشرفت اقتصادی و عدالت اقتصادی را در یک نظام اقتصادی ایجاد و پیوسته ارتقاء می‌بخشد». اسلام فقط به امنیت اقتصادی دولت تأکید ندارد؛ همین‌طور، فقط به امنیت اقتصادی افراد و بازار بسنده نمی‌کند؛ و همین‌طور، فقط به ترکیبی از امنیت اقتصادی دولت و افراد اکتفا نمی‌کند. بلکه، امنیت اقتصادی از دیدگاه اسلام

* شهید صدر علیه السلام به بخشی از این مرحله از توزیع شخصی، با عنوان «عدالت توزیعی پیش از تولید» یاد کرده است. اما افزون بر توزیع پیش از تولید، این مرحله شامل بازتوزیع پویای منابع طبیعی، امکانات عمومی، و اعتبارات و به تعبیر دیگر، بازتوزیع دارایی می‌تواند باشد.

** توزیع کارکردی یا سهم‌بری عوامل تولید از درآمد ملی: شهید صدر علیه السلام نیز این مرحله از توزیع شخصی، با عنوان «عدالت توزیعی در مرحله پس از تولید» نام برده است.

*** از دیدگاه شهید صدر علیه السلام برابری در نتیجه، به معنای توازن اجتماعی یا همسنگی در مصرف (نه درآمد) است. این مرحله از توزیع شخصی، با عنوان «توزیع مجدد درآمد» نامیده می‌شود.

از جان و روح انسان آغاز شده و مبانی عقیدتی و اخلاقی اسلام در نهاد آدمی ریشه دار شده و سپس از طریق رفتارهای اسلامی مبتنی بر عقلانیت، ایمان و اخلاق انسان‌های وارسته به سطح نهادهای جامعه رسوخ کرده و نهادهای جامعه را متحول نموده و بدین ترتیب، نمادها، تشکیلات و سازمان‌ها به‌ویژه دولت یک کشور را دچار تغییرات اساسی کرده و زمینه‌نظم نوین اقتصادی مبتنی بر اسلام را فراهم می‌نماید. دولت اسلامی متکفل ایجاد نظم و امنیت اقتصادی اسلامی در سطح کلان و در کل یک نظام اجتماعی-فرهنگی می‌باشد.

تحقق نظام اقتصادی اسلام در گروی تحقق معنویت (هویت‌ساز) و امنیت اقتصادی (نظم‌ساز و بستر فعالیت‌های اقتصادی) می‌باشد. پیشرفت اقتصادی عادلانه هنگامی تحقق می‌یابد که انسان اقتصادی اسلام با ویژگی «قیام‌کننده برای خدا، تفکر، ایمان، عمل صالح، خیرخواهی، و حق‌طلبی» تا حد زیادی در جامعه اسلامی تربیت شده باشد، نهادهای معنوی هدایت‌گر هویت اسلامی کارکرد صحیح خود را داشته باشند، و سپس ارزش‌ها، قوانین، و سیاست‌های اقتصادی حاکمیتی برای ایجاد نظم اقتصادی و فراهم شدن فضای کار و فعالیت نهادینه شده باشند. لذا نقش معنویت هویت‌سازی، نقش امنیت بسترسازی قانونمند و منظم، و نقش پیشرفت و عدالت کیفی‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام می‌باشد.

معنویت با امنیت اقتصادی هیچ‌گونه تضاد و تعارضی ندارد، بلکه هویت فعالان اقتصادی را ساخته و امنیت اقتصادی با صبغه اسلامی را ایجاد می‌کند. امنیت اقتصادی با پیشرفت اقتصادی نیز هیچ‌گونه درگیری و تعارضی ندارد، بلکه فضایی سهل و شفاف را برای حرکت فعالان اقتصادی فراهم می‌کند. امنیت اقتصادی با توزیع کارکردی و عملکرد بازار اسلامی نیز تعارضی ندارد، و بستری آماده می‌کند تا فعالان اقتصادی به نحو عادلانه درآمدهای ناشی از عوامل تولید (کار، مدیریت، سهام، مستغلات و زمین، و ...) را کسب کنند.

اما امنیت اقتصادی با دو سطح بازتوزیع دارایی و درآمد رابطه عام و خاص من‌وجه دارد.

۱. آلبرت، ماتیاس، (زمستان ۱۳۸۵) امنیت به مثابه کارکرد مرزبندی کردن، ترجمه: اصغر صارمی شهاب، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۱ و ۲.
۲. ابن شعبه حرانی، (۱۴۰۴ هـ ق) حسن، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین قم.
۳. ابن منظور، (۱۴۱۴ هـ ق) ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت - لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
۴. اخوان حکیمی، (۱۳۸۰) الحیاء، ترجمه: احمد آرام، ۶ جلدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. اسماعیلی، محسن، (۱۳۷۹) امنیت و شریعت (نظم عمومی در قواعد و احکام فقهی)، کتاب نقد، شماره ۱۴ و ۱۵.
۶. اسنایدر، کریگ، (۱۳۸۴) امنیت و استراتژی معاصر، ترجمه: سیدحسین محمدی نجم، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ.
۷. افتخاری، اصغر، (۱۳۷۹) امنیت در حال گذار: تحول معنای امنیت در قرن بیست و یکم، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۱۰.
۸. اینگلهارت، رونالد، (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر کویر، چاپ اول.
۹. بار، رمون، (۱۳۶۷) اقتصاد سیاسی، منوچهر فرهنگ، تهران، سروش، ج ۲.
۱۰. بوزان، باری، (۱۳۷۸) مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۱۱. الجرجانی، التعریفات، (۱۴۰۵ هـ ق) علی بن محمد بن علی الجرجانی (قرن نهم هجری قمری)، تحقیق: ابراهیم الأبیاری، بیروت، دار الکتب العربی، الطبعة الأولى.
۱۲. جوادی آملی، (۱۳۸۶) عبدالله، اسلام و محیط زیست، محقق: عباس رحیمیان، قم، نشر اسراء، چاپ سوم.
۱۳. حضرت امام خمینی (س)، (۱۳۸۶) صحیفه امام، تعداد جلد: ۲۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، چاپ چهارم.
۱۴. شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۹۸ هـ ق) نثر طوبی یا دائرة المعارف لغات قرآن مجید، جلد اول، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، چاپ دوم.
۱۵. صدر(ره)، سید محمدباقر، (۱۳۷۵) اقتصادنا، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۶. طباطبایی سید محمد حسین، (۱۴۱۷ هـ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۷. عزتی، مرتضی، دهقان، محمدعلی، (۱۳۸۷) امنیت اقتصادی در ایران، تهران، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.
۱۸. عظیمی پور، علیرضا، (۱۳۷۹) شاخص‌های امنیت اقتصادی: بررسی موردی اقتصاد ایران در دوره برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۹. کوزنتس، سیمون، (۱۳۷۲) رشد نوین اقتصادی، ترجمه مرتضی قره باغیان، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۰. کیندل برگر، (۱۳۵۱) چارلز، توسعه اقتصادی، ترجمه: رضا صدوقی، مدرسه عالی مدیریت گیلان.
۲۱. گروه مطالعات نظری دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی، (۱۳۸۵) مدلی برای تعیین شاخص‌های امنیت فردی (PSI)،

فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۱ و ۲.

۲۲. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، (۱۳۸۷) اقتصاد، امنیت و تبیین ناامنی اقتصادی، مجموعه مقالات امنیت اقتصادی، جلد ۱، گردآوری و تنظیم نهایی: مصطفی آذری، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، فروردین.
۲۳. ماندل، رابرت، (۱۳۷۹) چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
۲۴. متوسلی، محمود، شعبانی، احمد، (۱۳۸۰) «تحلیلی ساختاری از تأثیر توزیعی معیارهای عملکردی اقتصاد»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۱۳ و ۱۴.
۲۵. مزاشو، زیسلاو، (۱۳۸۷) امنیت اقتصادی، مجموعه مقالات امنیت اقتصادی، ج ۱، گردآوری و تنظیم نهایی: مصطفی آذری، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۲۶. المناوی، محمد عبد الرؤوف (قرن یازدهم هجری قمری)، التوقیف علی مهمات التعاریف، تحقیق: د. محمد رضوان الدایة، (۱۴۱۰ هـ ق) بیروت، دار الفکر المعاصر، دمشق، دار الفکر، الطبعة الأولى.
۲۷. موسایی، میثم، (۱۳۷۴) دین و فرهنگ توسعه، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۸. میرمعزی، سیدحسین، (۱۳۹۰) نظام اقتصادی اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۹. یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد علوی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
30. Canadian Security Intelligence Service, Revised (2004), Backgrounder No. 6, <http://www.csis-scrs.gc.ca/nwsrm/bckgrndrs/bckgrndr06-eng.asp>
31. Fabricius, Michael, (1998) The Impact of Economic Security on Bank Deposits and Investment, IMF.
32. ILO Socio-Economic Security Programme, Definitions: What we mean when we say “economic security”
33. The White House, National Security Strategy, Washington, (2010).
34. United Nations, Indicators of Sustainable Development: Guidelines and Methodologies, Third Edition, New York, (2007).